

آیا اصلاحات تمام شده است؟

آر. سی. اسپرول

کسانی که من آن‌ها را «اَوْنَجَلِیکال‌های سابق» می‌نامم، بررسی‌هایی روی این موضوع انجام داده‌اند. یکی از آنان نوشته است: «در قرن شانزدهم، لوثر درست می‌گفت، ولی اکنون، مسئله‌ی عادل‌شمردگی برای ما مطرح نیست.» یکی دیگر از این اَوْنَجَلِیکال‌ها در کنفرانسی مطبوعاتی که در آن شرکت کرده بودم، چنین نظری داد: «مباحثه‌ی اصلاحات در قرن شانزدهم، درباره‌ی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان، هیاهوی بسیار بود بر سر هیچ.» الهی‌دان اروپایی دیگری در کتابی استدلال کرده است که آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان دیگر در کلیسا، مسئله‌ی مهمی به شمار نمی‌آید. ما با انبوهی از افراد مواجهیم که خود را پروتستان (معترض) می‌نامند، اما همگی به‌وضوح فراموش کرده‌اند که نسبت به چه چیزی معترض هستند.

برخلاف برخی ارزیابی‌های معاصر درباره‌ی اهمیت آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان، به خاطر داریم که اصلاح‌طلبان حکومتی در قرن شانزدهم، دیدی متفاوت داشتند. عقیده‌ی معروف لوثر این بود که پایداری یا سقوط کلیسا به آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان بستگی دارد. جان کالون با استفاده از استعاره‌ای دیگر، می‌گفت عادل‌شمردگی لولایی است که همه‌چیز حول محور آن می‌چرخد. در قرن بیستم، جی. آی. پِکر از استعاره‌ای استفاده کرد مبنی بر این که عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان «اطلسی است که دیگر آموزه‌ها را بر شانه‌ی خود حمل می‌کند.» پِکر بعدها از این استعاره‌ی قدرتمند دور شد و به این استعاره‌ی ضعیف روی آورد که عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان «از جزئیات انجیل» است.

پرسشی که در پرتو این مباحثات باید از خود بپرسیم این است که از قرن شانزدهم تاکنون، چه تغییری اتفاق افتاده است؟ در پاسخ، خبری خوب و خبری بد داریم. خبر خوب این که مردم نسبت به مباحثات الهیاتی بسیار متمدن و پذیراتر شده‌اند. امروزه دیگر بر سر اختلاف در آموزه‌ها، کسی را نمی‌سوزانند یا با کشیدن دست و پا شکنجه‌اش نمی‌دهند. همچنین، در سال‌های گذشته شاهد پافشاری جامعه‌ی روم بر دیگر موارد حیاتی راست‌دینی مسیحیت، مانند الوهیت مسیح، کفاره‌ی جایگزین و الهامی بودن کتاب‌مقدس بوده‌ایم. این در حالی است که بسیاری از پروتستان‌های آزادی‌خواه از این آموزه‌ها به‌کل چشم پوشیده‌اند. می‌دانیم که موضع روم نسبت به مسائل مهم اخلاقی مانند سقط جنین و نسبیت اخلاقی نیز تغییر نکرده است. در قرن نوزدهم در اولین شورای واتیکان، روم پروتستان‌ها را «بدعت‌گذار و تفرقه‌افکن» نامید. در قرن بیستم در دومین شورای واتیکان، از پروتستان‌ها با لقب «برادران جدا شده» یاد کردند. تفاوتی بارز در لحن شوراهاى مختلف موجود است. به هر حال، خبر بد این

است که بسیاری از آموزه‌هایی که قرن‌ها پیش، پروتستان‌های راست‌دین را از کاتولیک‌های روم جدا می‌کرد، از قرن شانزدهم، به اصول ایمانی تبدیل شده‌اند. تمام احکام مهم مریم‌شناسی عملاً در ۱۵۰ سال اخیر وضع شده‌اند. آموزه‌ی لغزش ناپذیری پاپ، اگرچه در واقع از مدت‌ها پیش از تعریف رسمی‌اش کاربرد داشت، به‌طور رسمی در سال ۱۸۷۰ در اولین شورای واتیکان تعریف و به‌مثابه‌ی اصلی ایمانی (ایمان به آن برای نجات ضروری است) در نظر گرفته شد. همچنین، جامعه‌ی روم در سال‌های اخیر، مجموعه‌ی جدیدی از پرسش و پاسخ‌های کاتولیک را چاپ کرده است که بی‌تردید آموزه‌های شورای ترنت، شامل تعریف ترنت از عادل‌شمردگی، را باز تأیید می‌کند (و به این ترتیب، این را که شورا آموزه‌ی اصلاحاتی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان را اناتیما(لعنت) کرد، نیز تأیید می‌کند). تأیید مجدد ترنت، تأیید روشن آموزه‌های رومی عالم برزخ، آمرزش‌نامه‌ها و گنجینه‌ی اعمال نیک قدیسین را نیز به همراه داشته است.

در مباحثه‌ای که الهی‌دانان بر سر مسئله‌ی اهمیت کنونی آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان داشتند، مایکل هورتون این پرسش را مطرح کرد: «در دهه‌های اخیر، چه اتفاقی افتاده که موجب بی‌اهمیت شدن انجیل قرن اول شده است؟» بحث عادل‌شمردگی مسئله‌ی تخصصی الهیات نبود که بتوان آن را جزئی از حاشیه‌ی حقیقت کتاب مقدسی گذاشت. در عین حال، نمی‌شد آن را ساده‌انگارانه، هیاهو بر سر هیچ بدانیم. این هیاهو بسیار فراتر از این حرف‌ها بود. این پرسش که «چگونه باید عمل کنم تا نجات یابم؟» هنوز هم پرسشی حیاتی است، برای تمام کسانی که در معرض غضب خدا قرار گرفته‌اند.

حیاتی‌تر از این پرسش، پاسخی است که به آن می‌دهیم؛ زیرا پاسخ این پرسش درست بر قلب حقیقت انجیل دست می‌گذارد. کلیسای کاتولیک روم در بررسی نهایی‌اش در ترنت، تأیید کرد—و هنوز هم تأیید می‌کند—که خدا عادل بودن یا نبودن افراد را بر مبنای «راست‌کرداری باطنی» شان داوری می‌کند. اگر فرد در باطن، راست‌کردار نباشد، در بدترین حالت، به جهنم می‌رود و در بهترین حالت (اگر در زندگی‌اش، ناخالصی باقی مانده باشد)، برای مدتی، که ممکن است به میلیون‌ها سال برسد، به عالم برزخ می‌رود. این مسئله با دیدگاه کتاب مقدس و پروتستان‌ها درباره‌ی عادل‌شمردگی، تفاوتی آشکار دارد؛ آن‌ها بر این باورند که تنها مبنای عادل‌شمردگی ما، عدالت مسیح است که برای ایمان‌داران محسوب می‌شود. به این ترتیب، به محض اینکه فرد واقعاً به مسیح ایمان بیاورد، تمام آنچه را که برای نجاتش ضروری است به‌واسطه‌ی عدالت انتسابی مسیح، دریافت می‌کند. مسئله‌ی اساسی این است: آیا مبنای عادل‌شمردگی من، عدالت خودم است؟ یا آن عدالتی است که لوتر از آن با نام «عدالتی بیگانه» یاد می‌کند؛ عدالتی که از ما جدا و خارج از وجود ماست—عدالت فردی دیگر و در واقع، عدالت مسیح؟ از قرن شانزدهم تاکنون،

تعالیم روم همواره بر این تأکید داشته‌اند که عادل‌شمردگی بر ایمان، بر مسیح و بر فیض استوار است. تفاوت در این است که روم هم‌چنان معتقد نیست که عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی مسیح باشد، فقط با ایمان دریافت می‌شود و فقط بنا بر فیض داده شده است. تفاوت بین این دو موضع، تفاوت بین نجات و متضادش است. نزد شخصی که از خدایی عادل دور افتاده است، هیچ موضوعی مهم‌تر از این وجود ندارد.

در آن زمان، کلیسای کاتولیک روم آموزه‌ی کتاب مقدسی مبنی بر عادل‌شمردگی فقط به‌وسیله‌ی ایمان را محکوم کرد، منکر انجیل شد و صرف نظر از تأیید دیگر اصول راست‌دینی مسیحی، دیگر کلیسایی قانونی و مشروع به حساب نمی‌آمد. با در نظر گرفتن اینکه این کلیسا همچنان به انکار آموزه‌ی کتاب مقدسی درباره‌ی نجات می‌پردازد، پذیرفتنش به‌مثابه‌ی کلیسایی معتبر، عملی مهلک است. ما در دورانی زندگی می‌کنیم که درگیری الهیاتی از لحاظ سیاسی نادرست است، اما اعلام صلح وقتی که هیچ صلحی وجود ندارد نیز خیانت به قلب و روح انجیل است.

دکتر آر. سی. اسپرول، بنیان‌گذار سازمان خدمات لیگونیئر و بناکننده‌ی کلیسا Saint Andrew's Chapel در شهر سن‌فورد، ایالت فلوریدا بوده است. ایشان اولین ریس دانشگاه Reformation Bible College بوده و بیش از صد جلد کتاب به رشته تحریر درآورده که می‌توان به "قدوسیت خدا" اشاره کرد. این مقاله در مجله [تیپیل‌تاک](#) منتشر شده است.